

گنج سعادت و بار گاه قبول

خداوند روز را برای پراکنده شدن (فرقان، آیه ۴۷) و حرکت و شنا در جریان زمان و برای کار و بار قرار داده (مزمّل، آیه ۷)، و شب را برخلاف روز، زمان خواب و استراحت و آرامش دانسته است. (نبأ، آیه ۹، فرقان، آیه ۴۷) شب زمانی بسیار مناسب برای دریافت علوم غیبی و لدنی و مقامات الئیلِ هی اَشَدُّ نَافَعًا وَأَوْفَى قِيَلًا، قطعاً عبادتی که در شب صورت می‌گیرد محکمتر و پربارتر و گفتار در آن درستی‌تر و استوارتر است.

از همین رو درباره مومنان شب زنده را می‌فرماید: **تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ**، پهلوهایشان ازسترها جدا می‌شود و پروردگارش را از روی بیم و طمع می‌خوانند و آنچه روزی‌شان دادیم انفاق می‌کنند. (سجده، آیه ۱۶)

این مومنان هر چند بندگی‌شان همانند بندگی بردگان از خوف و یا همانند بازرگانان ازروی طمع است، ولی در مسیری هستند که آنان را به بندگی آزادگان عاشق و دوستدار آشنا کرده و در نهایت در آن مسیر قرار می‌دهد.

اصولاً چه عیب دارد که انسان بندگی را چون بندگان و بازرگان و آزادگان با هم داشته باشد. اگر این گونه باشند، به چیزهایی غیر از ربایی از مکنرات و فحشا، که نمره نماز است (تغکبوت، آیه ۴۵) و تقوای الهی که میوه هر عبادتی است (بقره، آیه ۲۱) دست می‌یابند که بر بسیاری از انسان‌ها نپای است، فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هیچ کس نمی‌داند چه چیز از آنچه روشنی‌بخش دیدگان است به پاداش آنچه انجام می‌دادند برای آنان پنهان شده است. (سجده، آیه ۱۷) این نماز شب و تهجد شبانه و قیام پس از خواب شب، چنان اهمیت و ارزش دارد که خداوند آن را بر پیامبرش واجب دانسته و در سوره مزمّل به او فرمان می‌دهد و می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ لَيْ لَ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا نَشْءُ أَ أَنْفَسَ مِنْهُ قَلِيلًا وَأَنَّ ذَ عَلَيْهِ وَزِيلَ الْقُرْآنَ**، تزییلاً، ای جامه در هم پیچیده! برای نماز شب برخیز به جز اندکی از شب، نبمی از شب با اندکی از آن را بگاہ، یا اندکی بر نیمه بیغزای و قرآن را شمرده و با تامل بخوان! (مزمّل، آیات ۱ تا ۴) و در حالی دیگر می‌فرماید تنها برخی از مومنان به همراهی پیامبر به این تهجد شبانه و نماز و قرآن خواندن ترتیلی می‌پردازند: «پروردگار تو می‌داند که تو و گروهی از آنان که با تو هستند نزدیک به، دولت‌ش ب و نیم شب و ثلث شب را به نماز می‌ایستید و خداست که اندازه شب و روز را معین می‌کند و می‌داند که شما هرگز حساب آن را نتوانید داشت، پس توبه شما را بپذیرفت و هر چه میسر شود از قرآن بخوانید، می‌داند چه کسانی از شما بیمار خواهند شد و گروهی دیگر به طلب روزی خدا به سفر می‌روند و گروه دیگر در راه خدا به جنگ می‌روند پس هر چه میسر شود از آن بخوانید، نماز بگزارید و زکات بدهید و به خدا قرآن‌الحسنه دهید و هر خبری را که برای خود پیشاپیش بفرستید، آن را نزد خدا خواهید یافت و آن پاداش بهتر است و پاداشی بزرگ‌تر است و از خدا آرزوش بخواهید، زیرا خدا آموزنده و مهربان است.» (مزمّل، آیه ۲۰)

عبادت شبانه و برکات فراوان آن، چنان اهمیت دارد که حافظ در این باره تأکید می‌کند:

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ

از یمن دعای شب و ورد سحری بود مرو به خواب که حافظ به بارگاه قبول

ز ورد نیم شب و درس صبحگاه رسید

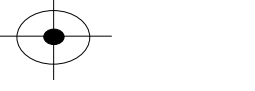
اسلام و فقر

در آموزه‌های اسلامی آیا پدیده فقر مورد مدح و ستایش قرار گرفته است یا اینکه از منظر آیات قرآن و روایات و سیره پیامبر گرامی(ص) و اهل بیت طهارتیش به شدت مورد مذمت واقع شده و هر کس در حد توانایی و مقدرات خود موظف است برای برون رفت از آن مبارزه و تلاش کند؟ نوشتار حاضر به نحو اجمالی به این سؤال پاسخ می‌دهد.

از دیدگاه اسلام فقر به عنوان یک پدیده مذوح به حساب نیامده و به تعبیر قرین کفر معرفی شده است. اما در عین حال برخی ممکن است از بعضی روایات برداشت مبتنی کرده و فکر کنند که اسلام نه تنها پدیده فقر را مذمت نکرده بلکه آن را ستایش و در ردیف امور ممدوح و ایجابی قرار داده است. به عنوان نمونه دعای پیامبر گرامی (صلوات) است که فرمود: «اللهم احسرنی فی زمره المساکین یوم القیّمه» خداوند روز قیامت مرا با مستمندان محسور فرما. (میزبان البیوم، ج۳، ص ۲۴۴)
با سفارش آن حضرت به گرمای داشتن فقرا که فرمود، «من اکرم فقیراً مسلماً لقی الله یوم القیّمه و هو عنه راض» هر کس فقیر مسلمانی را گرمای دارد روز قیامت خداوند را ملاقات کند در حالی که از وی راضی است. (همان، ص ۲۴۴)
آنان با استناد به این روایات، شتابزده قضاوت کرده و ادیان آسمانی را متمم به اعراض از دنیا و ترغیب افراد به فقر می‌کنند. در حالی که از نظر صاحبان علم و ژرف اندیشان تلخ ترین پدیده‌ها در کام انبیا و در مذاق شرایع آسمانی، فقر است، تا جایی که پیامبر اکرم(ص) در موارد زیادی فقر و تنگدستی را همسان کفر دانسته و از آن دو به خدا پناه می‌برد. «ما استندنا محسورین من کفرنا» (یعنی کفر، ایدمان) قال نعم (همان، ص ۲۴۳) و در روایتی حضرت علت آن را چنین بیان می‌کنند: «ولولا رحمة ربی علی فقرنا، انما کالمقلتر ان یكون کفرًا» اگر رحمت و شفقت پروردگار شامل فقری امت نبود میزدیم مانده بود که فقر (موجب کفر شود. (همان) همچنین آن حضرت در دعای دیگری فرمودند: «للهم بارک

از نظر صاحبان علم و ژرف اندیشان، تلخ ترین پدیده‌ها در کام انبیا و در مذاق شرایع آسمانی، فقر است، تا جایی که پیامبر اکرم(ص) در موارد زیادی فقر و تنگدستی را همسان کفر دانسته و از آن دو به خدا پناه می‌برد.

لنا فی العجز والافتقر بیئنا و بیئنه، فیلوا العجز ماملینا ولماصنا ولادینا فرأضی ربنا» خداوند! نان را برای ما بسا برکت قرار ده، و میان ما و نان جدایی مینداز که اگر نان نباشد نه می توانیم نماز گزاریم نه روزه بداریم نه ندیگر واجبات الهی را انجام بدهیم. امام علی(ع) می‌فرمودند: «الفقر اشد من القتل» فقر سخت‌تر از مرگ است. (همان، ص ۲۴۴)
مطالعه تاریخ زندگی پیامبران، امامان و اولیای گرامی خدا نیز نشان می‌دهد که آنان اگرچه جهت تسکین الام و کاهش پریشانی درماندگان و تهی دستن یا آنان بنای رفافت می‌گذاشتند و زندگی شخصی خود را در سطح فقیرانه قرار می‌دادند، اما در صدد بودند بسا کفر و تدبیر، فقر را محو و زندگی شرفتمندانه‌ای را برای همه انسان‌ها تدارک ببینند. بنابراین اگر ظاهر روایاتی غیر از مطالب مذکور است، باید بناوجه به این محکمتاک قرآنی و روایی تفسیر و معنا شود. آری آن فقری که پیامبر گرامی اسلام به آن افتخار کرده و می‌فرماید: «الفقر فخری» فقر امکانی است که تمامی مخلوقات و موجودات ما سوی الله به لحاظ امکانی فقیر هستند و در مرتبه ممکن الوجودی قرار دارند و هستند و ذات آنها وابسته به واجب الوجود است که پشتوانه و تکیه آنها نیست (یا ایهاالانس انتم الفقراء الی الله و الله هوالقوی الحمید)» این مردم شما در برابر خدای (واجب الوجود) نیازمند و فقیر هستید و تنها خدای متعال بی نیاز و غنی و شایسته هرگونه حمد و ستایش است. (فاطر – آیه ۵۱)



موضوع شخصیت و نظام حقوق زنان در اسلام یکی از مهم ترین مباحث چالشسی در گذشته و حال بوده و هستست. باورمندان به اسلام و آموزه‌های آن با تجزیه و تحلیل تاریخی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و عقلی کوشش فراوان کرده‌اند تا اثبات کنند که زن در نظام فکری، حقوقی و اخلاقی اسلام جایگاه والا و ارزشمندی دارد و همه احکام، حقوق و حدودی که در اسلام برای زنان در عرصه‌های گوناگون فردی، خانوادگی و اجتماعی آنها در نظر گرفته شده است منطبق بر فطرت زن و بسا هدف تکريم و تأمین امنیت و پویایی و حفظ نشاط و طراوت اوست.

با بررسی تاریخچه موضوع مهریه و دستورات اسلام پیرامون آن، به وضوح روشن می‌شود که مهریه، هدیه‌ای است از طرف مرد به زن که پرداخت آن بر عهده مرد است و هر گاه زن بخواهد می‌تواند آن را طلب کرده و در اموری که بخواهد، مصرف کند؛ مهریه، بهایی است که دین مبین اسلام، بر خلاف سنن جاهلی (غربی و شرقی)، به شخصیت زن داده است؛ در مناسبات دنیای مدرن، زن باید مانند مرد کار کند و هزینه زندگی خود را خود درآورد؛ این امر موجب بسیاری از دستسورای‌ها و نابسامانی‌ها برای زنان و جامعه می‌شود؛ اسلام در عین آنکه که به استقلال شخصیتی و مالی زن باور دارد، مرد را متکفل تأمین نیازمندی‌های مادی زن قرار داده است تا زن، فارغ از دغدغه معاش و نیازمندی‌های اقتصادی، هم از فرسودگی جسمی و روان‌شناختی مضمون نماند و هم با امنیت و آرامش به تعالی روحی و معنوی خود و تربیت نسل آینده بپردازد؛ مهریه، در واقع نوعی پیشگامی و نشانه صداقت مرد در خواستگاری از زن

به حساب می‌آید؛ در مطلب حاضر ادعای اینکه مهریه نوعی وثیقه مالی و قیمت‌گذاری برای زن است به چالش کشیده شده و فلسفه تعیین مهریه در ازدواج از دیدگاه اسلام تبیین شده است.

برخی چنین شبهه می‌کنند که در نظام حقوقی و فقهی اسلام، مهریه در هنگام ازدواج پول یا سکه یا چیز دیگری است که به زن

بررسی فلسفه تشریح مهریه و شبهات مربوط به آن

مهریه؛ نشانه صداقت یا ابزار ضمانت؟!



پرداخت مهریه می‌شود و در قبال آن، زن در اختیار مرد قرار می‌گیرد تا از او بهره جنسی ببرد؛ در این قانون با زن به عنوان یک کالا رفتار شده و نتیجه آن این است که زن تا پایان عمر با قیمت مهریه به مرد فروخته می‌شود!اسا در نظام حقوقی اسلام زن از ابتدای عمر خود تحت تکفل و سرپرستی یک مرد قرار می‌گیرد و این واقعیت با مهریه در زمان ازدواج، در قبال بهره جنسی مرد، روند کالا بودن و عدم استقلال او را تکمیل می‌کند؛ اینکه برخی مهریه را نوعی وثیقه مالی برای جلوگیری از ظلم مردان معرفی کرده‌اند، تبیین نارسا و غیرواقع‌عیانگی است!^(۱)

ازدواج (پیوند عاطفی و جنسیتی زن و مرد) یکی از سنت‌های تکوینی خداوند است که مورد تأکید آموزه‌های اخلاقی، فقهی و فرتاری اسلام قرار گرفته و احکام و قوانین خاصی برای آن در نظر گرفته شده است. موضوع مهریه، مانند دیگر احکام ازدواج در نظام فقهی- حقوقی اسلام، حاوی حکمت‌ها و ظرافت‌های قابل توجهی است؛ استناد به مسئله مهریه برای مدلل کردن انگاره‌های مثل کالا بودن زن، عدم استقلال وی، بردگی زن در قبال خواسته‌های مرد، عدم رعایت حقوق زنان، عدم رعایت تساوی زنان و مردان، از بین رفتن حرمت زن در فرهنگ اسلامی، … ریشه در ناآگاهی و یا نادیده گرفتن عدلانه حکمت‌ها و ظرافت‌هایی دارد که در تدوین آموزه‌ها و قوانین اجتماعی اسلام و بویژه در ارتباط با خانواده و مناسبات زن و مرد در نظر گرفته شده است. از منظری منصفانه و بدون از غرض‌ورزی و صرفاً با اتکای به استدلال منطقی و علمی، می‌توان از همه آموزه‌های اسلام دفاع کرد و ابهام‌ها و تردیدها را زدود.

مهریه از منظر فقهی و حقوقی

در قرآن کریم از مهریه به نام «صداق» یاد شده‌ است؛ مهریه، عطیه و پیشکش است که مرد در برابر قبول خواسته خود از طرف زن در هنگام ازدواج به او هدیه می‌کند.^(۲) فیض کاشانی در تفسیر صافی می‌گوید: «هری مهر را هدیه خداوند به زنان می‌دانند».^(۳) مهریه یا صداق، مالی است که به وسیله عقد ازدواج به طور متزلزل به ملکیت زن(همسر) درمی‌آید و با چهار چیز ملکیت آن مستقر می‌شود: ۱. ارتداد فطری همسر ۲. مرگ همسر ۳. آمیزش جنسی ۴. مرگ زن، بنابر مشهور؛ این تملک برای زن، ناشی از حکم شرع و قانون است».^(۴)

آنچه از مطالعه تاریخی حقوق زن در ادوار گذشته معلوم می‌شود، این است که مهریه از ادعاعات حقوق اسلام نیست و قبل از آن نیز وجود داشته است؛ حدودی ترین قانونی که تاکنون شناخته شده، قانون حامورابی است و در حدودی ۱۷۰۰ سال قبل از میلاد مسیح(ع) تدوین شده است؛^(۵) روند شکل‌گیری مهریه به شکل امروزی حاصل تغییرات اجتماعی فراوانی است؛ حقوق و جایگاه اجتماعی زنان در طول تاریخ با فراز و نشیب‌های بسیاری روبرو بوده است؛ پیش از ظهور اسلام، زن از جایگاه مطلوبی برخوردار نبود؛ درشبه جزیره عربستان، یعنی محل ظهور اولیه اسلام، زنان و دختران وضعیت بسیار اسفناوری داشتند؛ پدیده زنده به گور کردن دختران برای نشان دادن

آنچه از مطالعه تاریخی حقوق زن در ادوار گذشته معلوم می‌شود، این است که مهریه از ادعاعات حقوق اسلام نیست و قبل از آن نیز وجود داشته است؛ قدیمی ترین قانونی که تاکنون شناخته شده، قانون حامورابی است که در حدود ۱۷۰۰ سال قبل از میلاد مسیح(ع) تدوین شده است.

وضعیت فاجعه‌بار آن دوران کافی است؛ البته رفتارهای غیرانسانی و ظالمانه با زنان، منحصر به عربستان نبود؛ بلکه در همه جای دنیا وضع زنان به همین صورت و حتی بدتر از این بود؛ پس از ظهور دین مبین اسلام همراه با تحول اوضاع اجتماعی، وضعیت زنان نیز کاملاً تغییر یافت؛ اسلام به زن شایستگی داد و برای او مانند مرد، حقوقی مختص خود قائل شد؛ اهمیت ازدواج سبب شد تا اسلام احکام و قوانین خاصی را برای آن وضع کند که

یکی از مهمترین احکام ازدواج، لزوم تعیین مهریه برای زن در ابتدای زندگی مشترک است؛ قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «زنان را برای اینکه چیزی از آنها بگیرید و قسمتی از مهری که به آنها داده‌اید، جبران کنید، تحت مضیقه و شکنجه قرار ندهید.»^(۶)

مهریه، نماد هماهنگی تشریح با تکوین

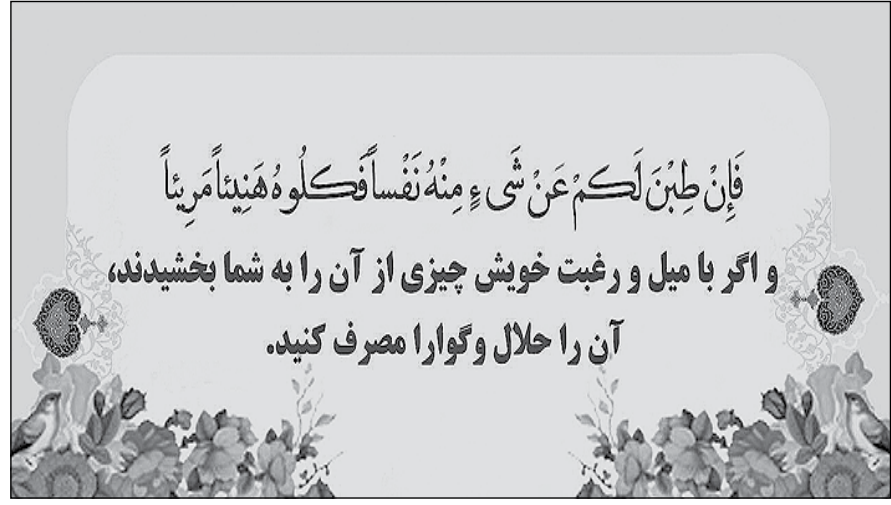
پدیدآمدن سنت مهریه، نتیجه تدبیر ماهرانه‌ای است که در متن خلقت و آفرینش برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آنها به یکدیگر به کار رفته است؛ مهریه از آنجا پیدا شد که در متن خلقت، نقش هریک از زن و مرد در مسئله عشق، متفاوت از نقش دیگری است؛ نوع احساسات زن و مرد نسبت به یکدیگر، یک جور نیست؛ قانون خلقت، جمال و غرور و بی‌نیازی را در جانب زن و نیازمندی و طلب و عشق و تغزل را در جانب مرد قرار داده است؛ همین‌ها سبب شده که زن بتواند مرد را به عنوان خواستگار به آستانه خود بکشاند، مردها را به رهایی با یکدیگر وادار کند، با خارج کردن خود از دسترس مرد، عشق رمانتیک به وجود آورد و آنگاه که تن به ازدواج با مرد بدهد و عطیه و پیشکشی از او به عنوان مهر(یا فتح مهم) با مهریه و نشانه‌های از صداقت او دریافت کند. مهر، با این عفاف زن یک ریشه دارد و زن به الهام فطری دریافت‌ه است که عزت و احترام او به این است که خود را در امر ازدواج، رایگان در اختیار مرد قرار ندهد و به اصطلاح شیرین بفروشد. مهر، ماده‌ای است از یک آیین‌نامه کلی که طرح آن در متن خلقت ریخته شده و با دست فطرت تهیه شده است؛ قرآن کریم در آیه ۴ سوره نساء از مهر به «صدقه» یاد کرده است و صدقه از ماده صدق است و بدان جهت به مهر، صدقاً یا صدقه گفته می‌شود که نشانه راستین بودن علاقه مرد به زن است؛ همچنین در آیه، از مهریه با عنوان «حله» یاد شده است؛ حله یعنی اینکه مهریه، هیچ عنوانی جز عنوان تقدیمی، پیشکشی عطیه

در احادیث اسلامی کم بودن مهریه، نشانه برکت و خوش‌بینی زن در خانه مرد و موجب بالارفتن ارزش معنوی زن معرفی شده و در مقابل، مهر سنگین نکوهش شده و از آن با عنوان بدیمتی و شومی زن نام برده شده است؛ رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «مهریه زانی را گران و سنگین نکند، که دشمنی در پی خواهد داشت.»^(۷)

برخی چنین شبهه می‌کنند که در نظام حقوقی و فقهی اسلام، مهریه در هنگام ازدواج پول یا سکه یا چیز دیگری است که به زن

آیا می‌توان گفت علت اینکه پیامبر برای زنان خود مهریه قرار می‌داد، این بود که می‌خواست به آنها در مقابل خودش وثیقه مالی بدهد؟! آیا علت اینکه پیامبر در ازدواج امام علی و حضرت فاطمه سلام‌الله علیهما مهریه قرار داد، این بود که می‌خواست برای دخترش در مقابل دامادش وثیقه مالی و وثیقه اطمینان فکری بگیرد؟! اگر چنین است، پس چرا پیامبر اکرم(ص) زنان را توصیه می‌کرد که متقابلاً مهریه خود را به شوهرانشان ببخشند و برای این کار پاداش‌ها ذکر کرده است؟
با به علاوه، چرا توصیه کرد حتی الامکان مهریه زنان زیاد نباشد؟!

اخلاقی (هم از طرف مرد و هم از طرف زن) نمی‌رسد؛ وثیقه‌ای که اگر در همسران وجود داشته باشد، خوشبختی آنها در آینده تأمین می‌شود هرچند مهریه زن اندک باشد؛ در احادیث اسلامی کم بودن مهریه، نشانه برکت و خوش‌بینی زن در خانه مرد و موجب بالا رفتن ارزش معنوی زن معرفی شده و در مقابل، مهر سنگین نکوهش شده و از آن با عنوان بدیمتی و شومی زن نام برده شده است؛ رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «یکی از عوامل شومی و بدقدمی زن، مهر سنگین اوست».^(۸) امام علی(ع) می‌فرماید: «مهریه زنان را گران و سنگین نکند، که دشمنی درپی خواهد داشت»^(۹)



فَإِنْ طَبِئ لَكُمْ مِنْ شَیْءٍ مِنْهُ فَتَسَاقُوا لَهُ هَبَاتٍ مَرْمَأً
و اگر با میل و رغبت خویش چیزی از آن را به شما بخشیدند، آن را حلال و گوارا مصرف کنید.

و هدیه ندارد.^(۱۰) هدیه و پیشکشی که مرد به عنوان مهریه به زن می‌دهد، در حقیقت وسیله‌ای برای مطمئن ساختن زن به صفای قلبی خود و دریافت پاسخ مثبت و صمیمانه او به پیشنهاد عشق مرد است؛ مرد با دادن چنین هدیه‌ای می‌خواهد به زن با بگوید: طالب توأم، تو را دوست دارم و صفای تو رازح می‌نهم؛ بدینسان، اگر مهر بر این اساس توجیه شود، وسیله خوبی برای ایجاد مهر و محبت بین زوجین و عاملی قوی برای انس و الفت است.^(۱۱)

مهریه، نشانه صداقت

نه مایه وثاقت!

بسیاری از مردم مهریه را وثیقه

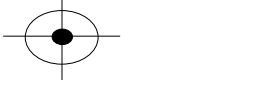
مهریه از منظر اسلام هرگز پشتوانه مالی زندگی برای زن نیست؛ زیرا هم با نگاه توحیدی و ارزشمدار اسلام ناسازگار است و هم اگر چنین می‌بود، این اندازه زن و زنان و رفتار پیشوایان دین سفارش به مهریه کم و آسان نمی‌شد؛ ثانیاً واقعیت زندگی فراوان نشان داده است که هیچ وثیقه مالی نمی‌تواند ضامن خوشبختی و حفظ زندگی مشترک باشد؛ زندگی مشترک و رابطه مقدس ناشومی بر پایه اخلاق و روابط محبت‌آمیز استوار است، نه بر پایه مهریه سنگین که فقط دغدغه روحی برای مرد و پشتوانه خیالی برای زن پدید می‌آورد!

مالی دانسته و آن را نوعی بیمه برای زن به شمار می‌آورند و می‌گویند اگر مشکل احتمالی برای زندگی مشترک آنها، بویژه از طرف مرد پیش آمد، زن با داشتن مهریه، پشتوانه‌ای مالی خواهد داشت؛ این امر در حالی است که اولاً مهریه از منظر اسلام هرگز پشتوانه مالی زندگی برای زن نیست؛ زیرا هم با نگاه توحیدی و ارزشمدار اسلام ناسازگار است؛ هم اگر چنین می‌بود، این اندازه زن و زنان و رفتار پیشوایان دین سفارش به مهریه کم و آسان نمی‌شد؛ ثانیاً واقعیت زندگی فراوان نشان داده است که هیچ وثیقه مالی نمی‌تواند ضامن خوشبختی و محفل زندگی مشترک باشد؛ زندگی مشترک و رابطه مقدس ناشومی بر پایه اخلاق و روابط محبت‌آمیز استوار است؛ نه

بر پایه مهریه‌های سنگین که فقط دغدغه روحی برای مرد و پشتوانه خیالی برای زن پدید می‌آورد؛ پیامبر برای زنان خود مهریه قرار می‌داد، این بود که می‌خواست به آنها در مقابل خودش وثیقه مالی بدهد؟! آیا علت اینکه پیامبر در ازدواج امام علی و حضرت فاطمه

سلام‌الله علیهما مهریه قرار داد، این بود که می‌خواست برای دخترش در مقابل دامادش وثیقه مالی و وثیقه اطمینان فکری بگیرد؟! اگر چنین است، پس چرا پیامبر اکرم علی‌الله علیه و اله زنان را توصیه می‌کرد که متقابلاً مهریه خود را به شوهرانشان ببخشند و برای این کار پاداش‌ها ذکر کرده است؟ با علاوه، چرا توصیه کرد حتی الامکان مهریه زنان زیاد نباشد؟! آیا جز این است که از نظر پیامبر اسلام، هدیه ناشومی مرد به نام مهریه و بخشش آن از طرف زن، موجب استحکام الفت و علقه ناشومی می‌شود؟! بنابراین به هیچ وجه نمی‌توان گفت نظر اسلام از قرار دادن مهریه این بود که وثیقه‌ای در اختیار زن قرار دهد».^(۱۲)
گروهی برای مهریه اندازه‌ای معین نمی‌توان مطرح کرد و میزان درآمدها و چگونگی زندگی افراد، در تعیین اندازه مهریه می‌تواند اثرگذار باشد؛ اما اسلام به کم و آسان‌بودن مهریه سفارش کرده و آن را امری مستحب و مبارک دانسته است که پاداشی الهی در پی دارد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «بهترین زنان امّت من (برای همسری)، زنانی هستند که چهرهای جذاب‌تر و مهری کمتر دارند».^(۱۳) یقیناً برخی از کسانی که مهریه سنگین پیشنهاد می‌دهند، گویا نوعی وثیقه مالی می‌سنجند تا به گمان خود، زن را در برابر مشکلات احتمالی بیمه کنند و خاطرش را آسوده گردانند؛ در حالی که تجربه نشان داده که هرگز این گونه وثیقه‌های مالی، به‌ تنهایی بی‌پایداری و استواری روابط ناشومی توانا نیست و هیچ وثیقه‌ای، به یای وثیقه

معارف Maaref@Kayhan.ir



چراغ راه

شاخص‌های نفاق

قال‌النبی(ص): «ثلاث من کفی فیہ کان منافقا وان صام و صلی و زعم انه مسلم: من اذا اتمنن خان، و اذا حدث کذب، و اذا وعد اخلف، ان الله عزّ و جل قال فی کتابه: ان الله لایحب الخائنین. و قال: ان لعنة الله علیہ ان کان من الکاذبین. و فی قوله عزّ و جل: واذکر فی الکتاب اسماعیل انه کان صادق الوعدوکان رسولاً نبیاً» پیامبر گرامی(ص) فرمود: سه خصلت است که در هر کس باشد منافق است، هر چند اهل روزه و نماز باشد و خودش را مسلمان بداند: ۱- کسی که هر گاه به او اعتماد شود، خیانت ورزد، ۲- و هر گاه سخن گوید، دروغ گوید، ۳- و هر گاه وعده دهد، خلف وعده کند. خداوندوجل در کتاب خود فرمود: «به راستی که خدا خیانکاران را دوست ندارد» واذکر فی الکتاب اسماعیل انه کان صادق الوعدوکان رسولاً نبیاً»؛ پیامبر(ص) بود.»^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۱۰۹

حکایت خوبان

فریب کاری با خدا ممنوع!

از رسول اکرم(ص) سؤال شد که فرادی قیامت تجلت انسان در چیست؟ حضرت در جواب فرمودند: نجات تنها در این است که با خداوند از در خدعه و فریب وارد نشوید که خداوند با شما خدعه می‌نماید. زیرا هرکس با خدا خدعه کند خدا با او خدعه خواهد کرد و ایمانش را از وی سلب می‌کند. کسی که با خدا خدعه می‌کند اگر درست بفهمد در واقع خود را فریب داده است. گفته شد یا رسول‌الله! چگونه با خدا خدعه می‌کنند؟ حضرت فرمود: فریضای را که خداوند به آن امر فرموده انجام می‌دهند، ولی در نیت غیر خدا را اراده می‌کنند. پس فرمودند: راه تقوی در پیش گیریذ و از ربا بهره‌بزیذ که ربا شرک به خداوند است و رباکار در قیامت به چهار اسم خوانده می‌شود: ای کافر، ای فاجر، ای مکار، ای زيانکار اعالمت بر باد رفت و اجرت باطل شد.»^(۱)

۱- سفینه‌البحار، ج ۱، ص ۴۹۹

پرسش و پاسخ

رابطه جریان نفاق با دین

پرسش:

از منظر قرآن چه اشخاص و یا جریانی از دین اسلام، استفاده ابزاری می‌کنند و آن را در جهت اهداف غیرالهی خود بکار می‌گیرند؟

پاسخ:

پاسخ اجمالی: از دیدگاه قرآن کریم، منافقان و جریان نفاق که بدتر از کفار شمرده شده‌اند، پیچیده‌ترین و خطرناک‌ترین جریان رایج در جامعه اسلامی هستند، و مومنان ترغیب شده‌اند که جریان نفاق را شناخته و در برابر آن موضع بگیرند. مهم‌ترین ویژگی جریان شناسی نفاق، استفاده ابزاری آنان از دین اسلام است، که به تعبیر قرآن کریم، «جنه» یا سیر اسلام در توصیف آنان بکار رفته «تخدوا ایمانهن جنه فسد واعن سبیل‌الله» منافقان سوگندهایشان (به خدا، قرآن و اسلام) را سیر و پوشش قرار داده‌اند تا مردم را از راه خدا جدا سازند. (منافقون - ۲)

پاسخ تفصیلی:

۱- مفهوم و زمینه‌های پیدایی نفاق

نفاق و دورویی پدیده‌ای است که در هنگام حکومت و حاکمیت اسلام پدید می‌آید. این اصطلاحی است که در دوره قدرت اسلام در مدینه پدیده آمده است. منافی در اصطلاحات قرآنی کسی است که به ظاهر مسلمان است و در باطن، ایمانی ندارد و تنها نظاره به دین‌داری می‌کند و تنها برای دست‌یابی به موقعیت‌های اجتماعی و بهره‌گیری از منافع دنیوی دین‌داری و یا فرار از مجازات و یا کشته شدن به اسلام روی می‌آورد و حضورش را ادا می‌کند. بنابراین نفاق پدیده سیاسی و اجتماعی با محوریت ظاهر دین‌داری و منفعت‌گرایی دنیوی است. قرآن به مسئله نفاق از جهات و ابعاد مختلفی پرداخته است و برای معرفی آنان و آشناسازی مومنان با روش‌ها و شیوه‌ها و اهداف جریان نفاق به تحلیل و تبیین پیشش و نگرش و رفتارهای آن توجه داده است. از این رو بازشواری این تحلیل برای شناخت پدیده پیچیده اجتماعی نفاق امری ضروری و بایسته است. به ویژه آن که نفاق به جهت تضاد ظاهر و باطن به سادگی قابل شناسایی و ردگیری نیست و منافقان به جهت دورویی به گونه‌ای رفتار می‌کنند که ظاهر ایشان حتی از ظاهر مومنان به صلاح نزدیک‌تر است. از این روست که تنها با تحلیل رفتارها و گرایش‌های ایشان امکان شناسایی منافقان از مومنان فراهم می‌آید. از آن جایی که هر کس شهادتین را به زبان آورد مسلمان است و با او به عنوان مسلمان برخورد می‌شود و از فواید و آثار دنیوی آن بهره‌مند می‌شود و حقوق شهروندی دربر او رعایت می‌گردد به گونه‌ای که نمی‌توان وی را از دست‌یابی به مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی و نظامی بازداشت و یا متمم به امری کرد، دشواری فرآیندهای برای تعامل با این دسته از افراد در جامعه پدید می‌آید. هرکسی را نمی‌توان متمم به نفاق کرد و یا به اتهامی از دایره اسلام بیرون راند. این اتفاق است که چگونگی تعامل با منافقان دشوار است. این دشواری به جهت عدم امکان شناسایی آنان است؛ زیرا منافقان هرگز به طور آشکار و علنی کفر خویش را آشکار نمی‌کنند و همواره بر ایمان بلکه شدت ایمان خویش تأکید می‌ورزند.بنابراین کسانی که به طور آشکار و علنی با دین اسلام مخالفت می‌ورزند هرچند که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند، منافق نیستند بلکه کافر و مشرک می‌باشند.

ادامه دارد

سلوک عارفانه

دیکتاتورها

به تدریج دیکتاتور می‌شوند!

(بدان ای سالک راه حق!) کما خیال نکندیک که اول، رضاخان یک دیکتاتور بود، یا بهیتر یک دیکتاتور بود، آن وقتی که رضاخان در آن محلی که متولد شد، دیکتاتور نبوده است، مینظر هم نبوده دیکتاتور. کم‌کم که وارد جامعه شدند. هر چه قدرت زیادتر شد، آن مملکهای که در باطنش بود، هی زیادتر شد، و همین طور به تدریج قوت پیدا کرد... کم‌کم که انسان وارد می‌شود، می‌بیند که ای وقت به دام خودش افتاد، یعنی این دام دیکتاتوری.»^(۱)

۱- صفحه امام، ج ۱۴، ص ۹۱